فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۸- صفحات ۱۶۹ - ۱۴۷

بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم شهر کابل به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در زمینه مصرف در اسلام

صادق‌علی موحدمنش[۱]
محمد غفاری‌فرد[۲]
زین‌الله صادقی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

چکیده

رفتارهای اقتصادی فرد مسلمان، یکی از مهم‌ترین رفتارهای اجتماعی است که زندگی شخصی و اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از مهم‌ترین نوع رفتارهای اقتصادی، مصرف می‌باشد. در بخش مصرف ۷ اصل از متون دینی استخراج گردیده است. جامعه آماری مردم شهر کابل می‌باشد و تعداد نمونه توسط فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در بخش مصرف تعیین گردیده است. اطلاعات نمونه مذکور به احتمال ۹۵ درصد قابل‌تعمیم به‌کل جمعیت آماری می‌باشد. اطلاعات آماری توسط پرسش‌نامه گردآوری‌شده و از طریق نرم‌افزار Excel و SPSS 21 مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفته است. در بخش مصرف از میان متغیرهای مستقل، بیشترین رابطه را در التزام به اصول مربوطه متغیرهای سن، تحصیلات، نوع شغل و متوسط درآمد ماهانه خانوار دارا می‌باشد و در بخش اعتقاد به اصول مربوط به مصرف، متغیرهای تحصیلات و متوسط درآمد ماهانه خانوار بیشتر از سایر متغیرها تأثیرگذار است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که به‌طور متوسط ۵۳،۴ درصد جامعه پایبند به اصول مربوطه در حوزه مصرف می‌باشند و ۵۰،۳ درصد افراد جامعه به اصول مذکور اعتقاد دارند. آزمون کای دو و t تک نمونه‌ای این امر را تصدیق می‌دارد. به‌طور کل می‌توان گفت که بیش از نصف جامعه به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در اسلام در حوزه مصرف التزام و اعتقاد دارند و بین درجه التزام و اعتقاد مردم به اصول مربوط به مصرف تفاوت قابل‌توجهی وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، فرهنگ، مصرف، التزام، اعتقاد، معناداری
طبقه‌بندی JEL: C12, D01, D12, R21

---

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) movahedmanesh@yahoo.com
۲. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع) mghunivers1390@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع) sadegi_zain@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

مقدمه

در جامعه اسلامی مسلمانان ملزم به اجرای اوامر و نواهی که خداوند (ج) برای بشریت بیان داشته است، می‌باشد. یک بخش از این اوامر و نواهی مربوط به رفتارهای اقتصادی فرد مسلمان در زمینه مصرف می‌باشد. در تحقیق حاضر سعی گردیده است تا چگونگی التزام و اعتقاد مردم را به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در اسلام در شهر کابل و همچنان رابطه میان التزام و اعتقاد مردم را مورد بررسی قرار دهد.

انسان در عرصه زندگی خویش و در جهت نیل به سعادت، دست به فعالیت‌های مختلفی می‌زند تا مسیر حرکت خود را هموارتر سازد که ازجمله آنها، فعالیت‌های اقتصادی است. به همین دلیل، توجه به ریشه‌ها و شناخت ماهیت اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی و عملکرد مردم به رفتارهای اقتصاد، راه‌گشای مطالعات و بررسی‌های عمیق در آینده خواهد گردید.

شهید صدر در کتاب اقتصادنا بیان می‌کند: "اقتصاد اسلامی امکان ندارد که به‌طور حقیقی و با چهره اصلی‌اش نمودار شود مگر اینکه این اقتصاد در متن زندگی پیاده شود" (صدر، ۱۳۵۰، ص ۴۰۸). منظور از پیاده شدن اقتصاد اسلامی در زندگی، تطابق پیداکردن نسبی یا کامل رفتارهای تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان با آموزه‌های اقتصادی اسلام است. برای پی بردن به اهمیت فعالیت‌های اقتصادی، توجه به این مطلب لازم است که انسان موجود دوبعدی است و لذا دارای گرایش‌های گوناگون مادی و معنوی است. انسان چاره‌ای ندارد، جز اینکه با استفاده از اختیار و حق انتخاب خدادادی، گرایش‌های معنوی خود را ضمن تأمین گرایش‌های مادی و در وضعیتی متعادل پاسخ گوید و نیل به کمال نهایی و قرب الهی را از رهگذر زندگی مادی به دست آورد؛ بنابراین انسان در میان دو نیروی متخاصم قرارگرفته است و با داشتن حق انتخاب، مجبور است مسیر زندگی خود را در دنیا، به‌سوی آخرت، طی نماید.

بنابراین، پرداختن به مسئله التزام و اعتقاد مردم شهر کابل به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در زمینه مصرف در اسلام از موضوعاتی اساسی در این پژوهش می‌باشد. عمل کردن به این رفتارها و اعتقاد داشتن، مواردی است که به بررسی خواهیم گرفت.

کشور افغانستان جمهوری اسلامی است و اکثریت باشندگان آن مسلمان می‌باشد؛ اما نظام اقتصادی حاکم در این کشور، نظام اقتصاد سرمایه‌داری است. لذا ضرورت است تا رفتارهای اقتصادی مردم متناسب با نظام اقتصاد اسلامی بررسی گردیده و میزان التزام و اعتقاد آنان به این رفتارها مورد تحقیق قرار گیرد. بنابراین سؤال اصلی در تحقیق حاضر عبارت است از میزان التزام و اعتقاد مردم شهر کابل به رفتارهای اقتصادی مطلوب در زمینه مصرف در اسلام چگونه است؟ و رابطه معناداری بین کدام یک از متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

این پژوهش در چهار بخش تقسیم گردیده که در بخش اول چکیده، مقدمه و کلیات تحقیق، در بخش دوم مبانی نظری تحقیق، در بخش سوم تجزیه و تحلیل داده‌ها و در بخش چهارم به نتیجه‌گیری و ذکر منابع پرداخته شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در بخش مطالعات نظری مشخصاً، مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد. در بخش مطالعات میدانی، جمع‌آوری اطلاعات از طریق تکمیل پرسش‌نامه صورت گرفته و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های شناخته‌شده در آمار توصیفی استفاده می‌شود، درواقع می‌توان روش مورد استفاده را روش توصیفی- مقطعی دانست؛ که با استفاده از آمار استنباطی و نرم‌افزار Excel و SPSS 21 به سؤالات تحقیق پاسخ داده می‌شود. رابطه معناداری بین متغیرها پس از طبقه‌بندی اطلاعات، از طریق محاسبه کی دو صورت می‌گیرد. جامعه آماری مردم شهر کابل و تعداد نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد که توسط فرمول کوکران به‌دست‌آمده است.

$$\text{فرمول کوکران} = \frac{\frac{t^2.p.q}{d^2}}{1+\frac{1}{N}(\frac{t^2.p.q}{d^2}-1)}$$

متغیر وابسته در این تحقیق اصول مربوط به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در اسلام در بخش تولید و مبادله بوده و متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: جنس، سن، سطح تحصیلات، وضع تأهل، تعداد افراد خانوار، نوع شغل و متوسط درآمد ماهانه خانوار.

مصرف در اسلام

۱. تعریف و اهمیت مصرف

صادقی شاهدانی و همکاران، به نقل از لغت‌نامه آکسفورد مصرف را این‌گونه معنا نموده است: مهیاکردن، استفاده کردن، بلعیدن، خوردن، نوشیدن (۱۳۹۲، ص ۱۳۴). مصرف به معنای به‌کاربردن کالاها و خدمات برای اجابت خواست‌های انسانی یا به دیگر سخن، از میان بردن مطلوبیت است (تاری و غلامی باغی، ۱۳۹۰). مصرف، عبارت است از ارزش‌های پولی کالاها و خدماتی که به‌وسیله افراد خریداری و تهیه می‌شود (اخوی، ۱۳۸۰). در اقتصاد سرمایه‌داری هدف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

نهایی از مصرف افزایش مطلوبیت است. مطلوبیت عبارت از قاعده و رضای خاطری است که انسان از مصرف کالا یا خدمات به دست می‌آورد و در این دیدگاه، سعادت آدمی در به‌دست آوردن بیشترین لذت است و این لذت بیشتر جنبه مادی و دنیوی داشته و مربوط به زمان حال است (ایروانی و دیگران، ۱۳۹۱). نیاز رفع احتیاج، اساس مصرف انسان است. لذا می‌توان گفت مصرف انسان عبارت از استفاده از کالا و خدمات جهت رفع نیازهای (مادی و معنوی) انسان است. اسلام صرفاً به جنبه‌های مادی مصرف توجه نکرده بلکه حتی مصارف مادی می‌تواند وسیله‌ای برای نیل به کمال باشد. امروزه الگو و سطح مصرف جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا مصرف علاوه بر اینکه به‌عنوان هدف تولید و توزیع سایر فعالیت‌های اقتصادی مطرح است، درعین‌حال تغییرات مصرف، تأثیرات قابل‌توجهی بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر سطح تولید، پس‌انداز، اشتغال، بیکاری، تورم و ... می‌تواند داشته باشد. به‌عبارت دیگر تغییر در سطح و الگوی مصرف در یک جامعه هم می‌تواند به بهبودی متغیرهای کلان کمک کند و هم وضع آنها را بدتر سازد (موسائی، ۱۳۸۲).

بنابراین مصرف از نگاه دین، دو گونه است: مصرف انسانی و مصرف حیوانی. آنچه موجب تمایز این دو گونه مصرف می‌شود، دو امر است: یکی نحوه مصرف و دیگری آنچه که مصرف می‌شود. مصرف انسانی همواره باتقوا، شکر، عمل صالح و عبادت همراه است و فقط به حلال و طیب تعلق می‌گیرد، ولی مصرف حیوانی، طغیانگرانه و فساد برانگیز است و موجب غفلت و تنزل شأن والای انسان می‌شود (ایروانی و دیگران، ۱۳۹۱).

۲. انواع مصرف

از دیدگاه اسلام مصرف به پنج دسته تقسیم گردیده است:

الف- مصارف واجب (لازم): شامل مصرف برای اداره حیات و حفظ نفس، مصرف برای حفظ حیات افراد تحت تکفل انسان، مصرف برای حفظ جان انسان‌هایی که جانشان در خطر است، مصرف برای انجام واجبات عبادی مانند پرداخت انفاقات واجب و ... است (محسنی زنوزی و همکاران، ۱۳۹۱).

ب- مصارف مستحب (راجح): شامل مصرف بیش از حد کفاف و توسعه زندگی در صورت نبودن افراد نیازمند در جامعه، انفاقات و صدقات مستحب و ... است (همان).

ج- مصارف حرام: شامل مصرف اشیایی که ذاتاً مطهر نیستند و مصارف نامشروع و مصارفی که آثار اقتصادی آنها ضرر و زیان به مصالح جامعه اسلامی می‌زند، مانند، مصرف مسرفانه و مصارف حرام که در منابع دینی آمده است (همان).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

د- مصارف مکروه (مرجوح): شامل مصرف بیش از مقدار متعارف هر شخص باوجود نیاز بیشتر برادران مؤمن است. سخت‌گیری در مخارج زندگی (تقتیر) نیز از آن جمله است (همان).
هـ- مصارف مباح: شامل هر موردی است که یکی از احکام بالا را نداشته باشد (همان).

۲-۱. مصارف واجب (لازم)

مصارف واجب به پنج دسته تقسیم می‌گردد:
الف- «مقدار مصرفی که برای ادامه حیات انسان و حفظ نفس از ابتلا به امراض و ناراحتی‌های بدنی و روحی لازم است، از نظر اسلام در تقسیم‌بندی مصارف واجب جای می‌گیرد. اسلام اجازه نمی‌دهد آنچه را که خداوند به‌عنوان نعمت‌های خویش در اختیار بشر قرار داده است، متروک و بدون استفاده باقی بماند و استفاده از این نعمت‌ها را در حد حفظ نفس انسان واجب می‌داند» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳). خداوند (ج) در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَامْشُوا فِی مَنَاکِبِهَا وَکُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَیْهِ النُّشُورُ (ملک، آیه ۱۵)»

«در اطراف زمین بروید و از روزی خداوند بخورید و بازگشت شما به‌سوی اوست».
ب- «مصارفی که مربوط به افراد تحت تکفل انسان می‌باشد نیز واجب است و باید نیازمندی‌های متعارف زندگی همسر و فرزندان خود را تأمین کند. همچنین در صورت عدم توانایی پدر و مادر تأمین زندگی و مخارج متعارف آنان به عهده فرزند دارای درآمد آنان است» (همان). در الوسیله آمده است: **«لا تقدیر فی نفقه الاقارب، بل الواجب قدر الکفایه من الطعام و الادام والکسوه و الامسکن مع ملاحظه الحال و الشان و الزمان و المکان (۲/ ۳۲۱)»**
«در نفقه نزدیکان، اندازه معینی نیست، بلکه مقدار کفایت از نان و خوراک و پوشاک و مسکن واجب است، با ملاحظه حال و شأن و زمان و مکان».
ج- «تأمین مقدار لازم برای حفظ جان انسان‌هایی که جانشان درخطر است. گرچه آنان به‌طور معمول، جزء عائله فرد محسوب نمی‌گردند» (موسائی، ۱۳۸۲).
د- «واجبات عبادی که انجام آنها مستلزم مصرف و صرف مال است؛ مانند حج، زیارت، زکات، کفارات و ...» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳).
ه- اسلام، نه‌تنها رفع گرسنگی سایر انسان‌ها را در حد حفظ نفس، واجب قرار داده، بلکه رفع گرسنگی و تشنگی حیواناتی را هم که در اختیار انسان هستند، الزامی می‌داند (همان، ص ۲۸۹).

در اسلام این نوع مصارف، واجب قرار داده شده است و باید انجام گیرد. اکثر این مصارف، جزء مصرف ثابت به حساب آمده و ربطی به سطح درآمد بستگی ندارد زیرا از جمله مصارفی است که بدون آن امکان ادامه حیات وجود ندارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

ازنظر چگونگی تأثیر این مصارف بر متغیرهای مهم اقتصادی، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

یک دسته مصارفی است که فرد به مصرف خود می‌رساند و یک دسته مصارف الزامی و واجبی است که به مصارف دیگران می‌رساند. این دسته دوم از آن مصارفی است که می‌توان از آن به‌عنوان «ویژگی خاص مصرف فرد و یا جامعه اسلامی» یاد کرد که با مصرف سایر نظام‌های اقتصادی مادی تفاوت دارد. این دسته از مصارف موجب توزیع ثروت در میان افراد جامعه را نیز بر عهده دارد و ضمن رفع فقر، سطح دارائی افراد جامعه را به یک حالت متوازن نیز نزدیک می‌گرداند، علاوه بر اینکه از لحاظ تربیتی و روانی نیز دارای آثار قابل‌توجهی در زمینه رشد احساسات و عواطف انسانی و ایجاد روحیه همدلی و محبت و گذشت و آرامش و امنیت فردی و اجتماعی است (موسائی، ۱۳۸۲)؛ بنابراین مصارف واجب عبارت خواهند بود از: مصرف برای اداره حیات و حفظ نفس، مصرف برای حفظ حیات افراد تحت تکفل انسان، مصرف برای حفظ جان انسان‌هایی که جانشان درخطر است، مصرف برای انجام واجبات عبادی مانند پرداخت انفاقات واجب و... است.

زکات از جمله انفاقات واجب است و حق مالی است که از جهتی عبادت و از جهت دیگر وظیفه‌ی اجتماعی است؛ در حقیقت زکات حقی از اجتماع در گردن فرد است تا ضامن کفایت گروه‌هایی از اجتماع باشد که نقصان امکانات دارند، اسلام به خاطر زدودن فاصله طبقاتی، نابرابری‌ها، تطهیر مال، شکرگزاری از نعمات الهی و ... قانون زکات را آورده و آن را فریضه مالی و حقی برای مستحقان قرار داده است (سید قطب، ۱۳۷۹).

۲-۲. مصارف مستحب (راجح)

این‌گونه مصارف به منظور جلب رضای الهی، اهداف خداپسندانه و خیرخواهانه و کسب ثواب صورت می‌گیرد. خداوند درآیات فراوانی نعمت‌های خویش را برمی‌شمرد و انسان‌ها را به استفاده از آنها تشویق می‌کند تا بدین‌وسیله انسان به نعمت‌دهنده توجه کند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ (سبا/ ۱۵)»

«برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آنها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)»

همچنان در روایات فراوانی استفاده از کالا و خدمات توصیه‌شده است و رجحان استفاده موردتوجه قرارگرفته است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

علی (ع) در نامه خویش به حارث همدانی می‌فرماید:

«... واستصلح کل نعمةٍ انعمها الله علیک و لا تضیعنَّ نعمةً من نعم الله عندک، ولیر علیک أثر ما انعم الله به علیک (نهج البلاغه/ نامه ۶۹/ ص ۷۲۶)»

«هر نعمتی که خداوند ارزانیت داشته درراه صلاح هزینه کن و هیچ‌یک از نعمت‌های خدا را تباه مکن. باید نشانِ نعمتی که خداوند عطایت کرده در تو دیده شود».

قرض‌الحسنه نیز ازجمله موارد مصرفی راجح در اسلام می‌باشد و از شرایط تحقق این عمل «نیازمند بودن وام‌گیرنده» و «انگیزه‌های معنوی و آخرتی قرض دهنده» می‌باشد (هادوی نیا، ۱۳۸۹). خداوند (ج) می‌فرماید:

«إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً یُضَاعِفْهُ لَکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ شَکُورٌ حَلِیمٌ (تغابن، آیه ۱۷)»

«اگر به خدا (بندگان محتاج خدا) قرض نیکو (قرض‌الحسنه) دهید، خدا برای شما چندین برابر گرداند و هم از گناه شما درگذرد و خدا بر شکر و احسان خلق، نیکو پاداش‌دهنده است و بر گناهانش بسیار بردبار است».

فرهنگ غنی اسلام با برانگیختن انگیزه‌های معنوی درصدد تنظیم رفتار مادی افراد جهت رفع نیازهای اقتصادی است. قرض‌الحسنه در مقام پاداش از صدقه پیشی می‌گیرد. عرب‌مازار و کیقبادی در مقاله خود از حرّ عاملی می‌نویسد که امام صادق (ع) دراین‌باره می‌فرماید:

برای من محبوب‌تر است که مالی را قرض دهم تا آن را صدقه بدهم (عرب‌مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵)

از مصارف و مخارج هر مسلمان، انفاق‌ها و صدقات مستحب و هدیه‌های او به دیگران است. در اسلام نسبت به هدیه‌های دوستانه نیز سفارش‌های فراوانی صورت گرفته است. بدیهی است مصارف بیش از حد متوسط درصورتی‌که در جامعه فقیر نباشد موارد مصرف مستحب را در برمی‌گیرد که دو قسمت است، یک قسمت به مصرف خود فرد می‌رسد و قسمت دیگر آن برای توسعه زندگی دیگران انفاق می‌گردد. این دسته از مصارف نیز بخشی از انفاق محسوب می‌شود، گرچه الزامی نیستند ولی تأکید فراوانی بر آنها شده است (موسایی، ۱۳۸۲). این‌گونه مصارف شامل مصرف بیش از حد کفاف و توسعه زندگی در صورت نبودن افراد نیازمند در جامعه و انفاقات و صدقات مستحب و... است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۲-۳. مصارف حرام

از دیدگاه اسلام، مصرف مقدمه و ابزاری است برای نیل به سعادت حقیقی و کمال مطلوب؛ بنابراین، مصرف کالاها و خدماتی که آدمی را از رسیدن به مقصد و هدف نهایی بازمی‌دارد، ممنوع است (ایروانی، ۱۳۹۱).

در اسلام انواع مختلفی از مصارف حرام شمرده شده است؛ که این مصارف مایه‌ی فساد و تباهی و به زیان فرد و جامعه است. ایروانی و دیگران در کتاب خود از فرمایشات حضرت علی (ع) بیان می‌دارد که: آن حضرت فرمود بخشیدن این مال برای بندگی خدا بزرگ‌ترین نعمت و دادن آن در راه نافرمانی خدا از هر چیز محنت‌بارتر است (همان). که ذیلاً اشاره می‌نماییم:

الف- تحریم استفاده از اشیایی که پاک نیستند، مثل شراب، گوشت خوک و ... براساس احکام اولی؛ و همچنان مصرف اشیایی که موجب هلاکت یا ضرر انسان می‌شود، مثل سم، هروئین، تریاک و ... براساس احکام ثانوی (تهرانی زاده، ۱۳۷۲).

در قرآن کریم نیز دوری از این مصارف تأکید شده است.

خداوند (ج) می‌فرماید:

«وَ لاَ تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَةِ (بقره /۱۹۵)»

«خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید».

آیات قرآنی بر این امر دلالت دارد که حلال آن است که طیب باشد و حرام آن است که خبیث باشد. طیب آن است که با سیستم بدن انسان سازگار است و ضرر ندارد و مورد پذیرش طبع است و خبیث آن است که مورد پذیرش طبع انسان قرار نمی‌گیرد و با سیستم و قوای بدن انسان هماهنگی ندارد.

ب- مصارف نامشروع

این‌گونه مصارف در اسلام ممنوع قرار داده شده است و زیرا سبب زیان رساندن به‌خود و جامعه خواهد گردید در اسلام بر ممنوع بودن این مصارف تأکید صورت گرفته است.

حضرت علی (ع) در این‌باره می‌فرماید:

«لاتصرف مالک فی المعاصی فتقدم علی ربک بلاعمل (غرر، ج ۶، ص ۱۷۱)»

«مال خود را در گناه خرج مکن تا مبادا بدون عمل به حضور پروردگارت وارد شوی».

همین‌گونه مصارف است که در برخی مواقع از لحاظ سیاسی و اقتصادی، سبب تسلط دشمنان بر مسلمین می‌شود. لذا مصرف چنین اموال بر اساس احکام ثانوی مورد تحریم واقع می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

ج- اسراف

اسراف در لغت به معنای گزاف‌کاری کردن، درگذشتن از حد میانه، افراط، زیاده‌روی ... را گویند (دهخدا) و به معنای تجاوز کردن از اندازه و اعتدال است (زمانی محجوب، ۱۳۸۸). اسراف تجاوز از حد است در هر فعلی که آدمی انجام می‌دهد، هرچند بیشتر درباره خرج کردن و مصرف به کار می‌رود؛ و گاه به اعتبار اندازه و کمیت گفته می‌شود اسراف شده و گاه به اعتبار چگونگی و کیفیت (قمی، ۱۴۰۲ ق، ص ۶۱۶).

مصرف زیادتر از حد نیاز، از دیدگاه اسلام اسراف و حرام می‌باشد و مقصود از اسراف تجاوز از حد اعتدال است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳). از نظر اقتصادی اسراف زمانی رخ می‌دهد که منفعت نهایی خصوصی یک کالا مثبت باشد ولی کمتر از حد اجتماعی آن باشد. رعایت اعتدال در مصرف موجب پرهیز از اسراف می‌شود و عدم این رعایت باعث ارتکاب آن می‌گردد (صدر، ۱۳۷۴).

اسراف نکردن سبب رعایت حقوق جامعه گردیده و همچنان توجه به اصل کارایی و استفاده حداکثر معقول از منابع خدادادی و جلوگیری از ریخت‌وپاش و اتلاف منابع است (موسایی، ۱۳۷۴). اسراف در کل باعث وجود و عدم کارایی در جامعه می‌گردد و تبعات زیان‌بار اقتصادی اجتماعی نیز دارد که یکی از آنها، رشد فقر در جامعه است. نگاهی به اسراف‌کاری‌های عده‌ای در جامعه نشان می‌دهد که با پرهیز از اسراف می‌توان انسان‌های زیادی را از سطوح اولیه زندگی برخوردار کرد. این امر، در صورت اجرا می‌توانست آثار اجتماعی فرهنگی مفید بسیاری را در جامعه به همراه داشته باشد.

در این سطح از مصرف افراد از حد طبیعی مصرف خارج شده و به زیاده‌روی در تأمین نیازهای مادی دچار می‌گردند. تردیدی نیست که اسراف در مصرف روا نیست (ایروانی و دیگران، ۱۳۹۱). در قرآن کریم این واژه و مشتقات آن با معنای واحد و مصداق‌های متعدد به‌کار رفته است و از انجام این عمل نهی فرموده است. در قرآن کریم آمده است:

«وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لاَ تُسْرِفُوا إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف، آیه ۳۱)»

«بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا (ج) اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد».

اسراف اختصاص به مصارف حرام و حتی مباح ندارد، حتی انفاق در راه خدا هم اگر به حدی برسد که شخص خودش در سختی قرار گیرد اسراف است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذٰلِكَ قَوَاماً (فرقان، آیه ۶۷)»

«و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند».

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

"اسراف وقتی به‌تنهایی به‌کار نرود و با تبذیر به‌کار رود به‌معنای ریخت‌وپاش کمی مال است، ولی وقتی با تبذیر به‌کار رود به معنای تبذیر هم می‌باشد؛ یعنی معنای ریخت‌وپاش کمی و کیفی است" (موسائی، ۱۳۸۲).

علی (ع) می‌فرماید:

«للمسرف ثلاث علامات: یأکل ما لیس له و یشتری ما لیس له و یلبس ما لیس له (خصال، ج ۱، ص ۸)»

«آدم اسراف‌کار سه علامت دارد: آنچه که مال او نیست مصرف می‌کند و آنچه که متعلق به او نیست خریداری می‌کند و آنچه که حق و سزاوار آن نیست لباس می‌پوشد».

برای شناسایی اسراف معیارهای همچون (اتلاف و تضییع، مصرف بالاتر از سطح زندگی عمومی، مصرف فراتر از توان مالی یا شأن، بخشش بیش‌ازحد و صرف مال در معصیت) را می‌توان نام برد (رجایی و خطیبی، ۱۳۹۱).

انسان بنا بر طبیعت نخستین خود، گرایش به‌افراط یا تفریط ندارد و لذا اسراف خروج از حد و مرز الهی و فطری و چارچوب انسانی است، پس شخص مسرف انسانی نیست که در مسیر فطرت بشری حرکت کند، بلکه فردی متجاوز است، به‌عبارت‌دیگر اسراف با واقعیت وجودی انسان در تضاد است. همان‌گونه که تجاوز از حد در خصوصیات روحی سبب از بین رفتن تعادل انسان و توازن شخصیت او می‌شود، گذشتن از حد در قضایای اقتصادی و مصرف کردن لوازم معیشت و زندگی مادی نیز سبب از بین رفتن تعادل رفتاری انسان می‌شود و در پی آن تباهی و نابسامانی پیش خواهد آمد (زمانی محجوب، ۱۳۸۸). به‌طورکلی در اسلام، مسلمانان از اسراف منع شده است. از مجموع آیات و روایات مربوط به اسراف استنباط می‌شود که اسراف شامل هرگونه مصرفی که به‌صورت آشکار و عرفاً از حد متعارف و شأن فرد بیشتر باشد، است. در برخی از روایات حد اسراف «حد کفاف» و در برخی «حد وسط» یا «حد اقتصاد» تعریف شده است. منظور از اقتصاد همان حد میانه و حد وسط است که از لحاظ کمی کوتاه‌ترین راه وصول به هدف است و ازلحاظ کیفی به معنای رعایت حد اعتدال است.

د- تبذیر

تبذیر در اصل به معنی پاشیدن بذر است ولی به نحو استعاره در معنی پراکنده ساختن مال، بدون جهت به‌کار رفته است؛ یعنی اگر به وجه صلاح باشد، تبذیر نیست (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳). مجمع البحرین درباره معنای تبذیر می‌نویسد: مبذرین کسانی هستند که در خرج کردن تبذیر و زیاده‌روی می‌کنند و مال را در غیر آنچه خدا حلال و جایز دانسته مصرف می‌کنند

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

(طریحی، ۱۳۶۷). این نوع شیوه مصرفی نیز در اسلام بسیار مورد نهی قرارگرفته است. در روایات در این مورد آمده است:

«التبذیر من الاسراف (بحارالانوار، ۷۵/ ۳۰۲)»

«تبذیر نوعی اسراف است».

باید خاطر نشان ساخت که اسراف و تبذیر وقتی باهم می‌آیند دو معنا دارند. اسراف بـه معنـای اتلاف کمی مال است و تبذیر، اتلاف کیفی و غیرعقلانی آن. درهرحال اسلام تبذیر را نفی می‌کند و با نفی تبذیر به کسی اجازه نمی‌دهد تا چگونه مصرف کردن را به‌دلخواه غیرشرعی خود شکل دهد و کیفیتی نامطلوب در امر مصرف به وجود آورد؛ یعنی نمی‌شود در راه‌های مضر و راه‌های که اثر منفی در جامعه دارند هزینه کرد (حریری، ۱۳۶۲).

خداوند متعال در قرآن کریم تبذیر و رفتار مبذرانه را نکوهیده و آنان را برادران شیطان می‌داند:

«إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً (اسراء/۲۷)»

«چراکه تبذیرکنندگان، برادران شیاطین‌اند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود».

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«ان عطاء المال فی غیر حقه تبذیر و اسراف (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶)»

«خرج کردن نا به‌جا، به‌یقین، حیف و میل و اسراف است».

۲-۴. مصارف حرام دیگر

برخی مصارف دیگر در کتب فقهی نیز آمده است که ازجمله محرمات هستند، مانند:

استعمال ظروف طلا و نقره، به‌کار گرفتن آلات لهو لعب و وسائل قمار بـرای همـه حـرام اسـت. همچنین پوشیدن ابریشم خالص و خلا و تزئین به آن برای مرد حرام است. اگر مـردی لبـاس زنانـه بپوشد و یا زنی لباس مردانه بپوشد و نیز پوشیدن لباس شهرت که شخص با آن انگشت‌نما می‌شود، حرام است. اگر توجه کنیم می‌بینیم که رعایت این موارد اثرات فرهنگی مطلوبی را نیـز در پی‌دارنـد (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۲-۵. مصارف مکروه (مرجوح)

الف- مصرف بیش از حد متعارف:

مصرف بیش از مقدار متعارف هر شخص، با وجود نیاز بیشتر برادران مؤمن او مکروه است. البته این امر در صورتی است که حداقل لازم برای ادامه حیات را سایر مردم داشته باشند، چون درغیر این صورت تأمین برادران مسلمان بر انسان واجب می‌گردد (تهرانی زاده، ۱۳۷۲).

ب- تقتیر:

تقتیر در لغت، به معنای کمبود و تنگ گرفتن در رزق و روزی، نفقه را بر عیال تنگ گرفتن است (دهخدا). تقتیر که عبارت از تنگ گرفتن در مخارج زندگی، با وجود قدرت بر مصرف بیشتر می‌باشد ازنظر اسلام مکروه شمرده شده است (موسائی، ۱۳۸۲). تقتیر درباره مصرف مال به معنای خرج کردن مال به‌گونه‌ای که فقط انسان را از مرگ نجات داده و تنها رمقی برای وی باقی بماند. خداوند (ج) می‌فرماید:

«وَ الَّذِینَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کَانَ بَیْنَ ذٰلِکَ قَوَاماً (فرقان/ ۶۷)»

«و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند».

در تعالیم دینی بر مصارف مجاز (الزامی و غیرالزامی) دو اصل حاکم است. یکی رعایت حد معین در مصرف است و دیگری توجه به مصرف دیگران است که با انگیزه‌های غیرمادی توسط فرد صورت می‌گیرد (موسائی، ۱۳۸۲). حضرت علی (ع) در این رابطه می‌فرمایند:

«کن جواداً مؤثراً او مقتصدا مقدرا و ایاک ان تکون الثالث (غرر، ج ۲، ص ۵۶۶)»

«توانگر و بخشنده و یا میانه‌رو باش که به‌اندازه درآمدت خرج کنی و سخت بپرهیز از اینکه سومی (بخیل یا مسرف) باشی».

بنابراین همان‌گونه که اسراف و تبذیر از دیدگاه اسلام مذموم و ناپسند است، سخت‌گیری و تنگ‌نظری در مخارج بر افراد تحت تکفل نیز مذموم و ناپسند است.

حد مصرف

در اسلام مسلمانان در امر مصرف به میانه‌روی و حد اعتدال دعوت شده است این حد در برخی از روایات رعایت اقتصاد و حد میانه و در برخی از روایات حد کفاف و در برخی از روایات حد اعتدال معرفی شده است. همان‌طوری که عدم اسراف و تبذیر، به کنترل رعایت حد بالای مصرف و عدم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

تقتیر به رعایت حد پائین مصرف توجه دارد، پس اعتدال و اقتصاد در میان دو حد اسراف و تقتیر (افراط و تفریط) قرار دارد و تجاوز از حد بالای آن حرام و کمتر از حد پائین آن مکروه است (موسایی، ۱۳۸۲). در قرآن مجید آمده است:

«وَ الَّذِینَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کَانَ بَیْنَ ذٰلِکَ قَوَاماً (فرقان/ ۶۷)»

«و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند».

پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام‌شده در مورد مسائل مرتبط با موضوع قرار ذیل می‌باشد.

۱. کتاب بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم اصفهان به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در اسلام. این پژوهش توسط دکتر میثم موسائی در سال ۱۳۸۲ با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته است. در این تحقیق مطالعات نظری براساس متون دینی، اصول مقیده مطلوب مورد تأکید اسلام در زمینه تولید، مبادله و مصرف، معرفی شده که درمجموع ۳۴ اصل در این زمینه‌ها استخراج و معرفی گردیده است. مطالعات تکمیلی و تجزیه و تحلیل رفتارهای اقتصادی افراد با توجه به اصول مقیده اسلام توسط پرسش‌نامه، به روش توصیفی-مقطعی انجام پذیرفته است. نتایج حاصله از این تحقیق به شرح زیر بیان می‌گردد.

- ✓ درجه التزام به رفتارهای مطلوب دینی درزمینه مصرف ۴۴,۷ درصد می‌باشد و درجه اعتقاد به مهم‌ترین رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام درزمینه مصرف ۵۵,۳ درصد می‌باشد.

۲. کتاب بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم بهبهان به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در اسلام. این پژوهش توسط دکتر میثم موسائی در سال ۱۳۸۲ با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته است. در این تحقیق مطالعات نظری براساس متون دینی، اصول مقیده مطلوب مورد تأکید اسلام در زمینه تولید، مبادله و مصرف، معرفی‌شده که درمجموع ۳۴ اصل در این زمینه‌ها استخراج و معرفی گردیده است. مطالعات تکمیلی و تجزیه و تحلیل رفتارهای اقتصادی افراد با توجه به اصول مقیده اسلام توسط پرسش‌نامه، به روش توصیفی-مقطعی انجام پذیرفته است. نتایج حاصله از این تحقیق به شرح زیر بیان می‌گردد.

- ✓ درجه التزام به رفتارهای مطلوب دینی درزمینه مصرف ۵۰,۷ درصد می‌باشد و درجه اعتقاد به مهم‌ترین رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام درزمینه مصرف ۴۳,۸ درصد می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۳. کتاب بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم بندرعباس به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در اسلام. این پژوهش توسط دکتر میثم موسائی در سال ۱۳۸۲ با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته است. در این تحقیق مطالعات نظری براساس متون دینی، اصول مقیده مطلوب مورد تأکید اسلام درزمینه تولید، مبادله و مصرف، معرفی‌شده که درمجموع ۳۴ اصل در این زمینه‌ها استخراج و معرفی گردیده است. مطالعات تکمیلی و تجزیه و تحلیل رفتارهای اقتصادی افراد با توجه به اصول مقیده اسلام توسط پرسشنامه، به روش توصیفی-مقطعی انجام پذیرفته است. نتایج حاصله از این تحقیق به شرح زیر بیان می‌گردد.

- ✓ درجه التزام به رفتارهای مطلوب دینی درزمینه مصرف ۷۰,۹ درصد می‌باشد و درجه اعتقاد به مهم‌ترین رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام درزمینه مصرف ۴۱,۴ درصد می‌باشد.

۴. مقاله اصول موضوعه حاکم بر رفتار انسان اقتصادی از منظر معرفت دینی، نویسنده داود منظور دانشیار دانشگاه امام صادق. در این مقاله نخست به بحث عقلانیت رفتار در اقتصاد متعارف پرداخته و مبنای تمرکز را در اقتصاد متعارف به عقل بیان داشته است، زیرا این نظام به‌دور از وحی الهی، رجوع به عقل را مرکز افهامشان می‌دانستند و همه تصمیمات بر مبنای عقل گرفته می‌شد و در نگاه دوم به عقلانیت رفتار در چارچوب دین پرداخته و بیان داشتند که تنها عقل برای تصمیم‌گیری و رفتار اقتصادی معقول کافی نیست و لزوم به‌جا و مهم در استفاده از وحی را در این مقاله بیان داشتند. همچنان موضوع عدالت را به‌عنوان اصل دیگری در رفتار اقتصادی فرد مسلمان مطرح می‌کند و درنهایت ابراز می‌دارد که انسان مسلمان‌که با روح معنویت تکامل‌یافته است، رفتار اقتصادی‌شان به‌دوراز اصول موضوعه‌ای چون نفع طلبی و سودجویی خواهد بود.

۵. تبیین عامل‌های پرکننده شکاف بین نظر و عمل در رفتار اقتصادی خانواده مسلمان. این مقاله در سال ۱۳۹۴ توسط وحید ارشدی، علی‌اکبر ناجی میدانی، مصطفی سلیمی فر و بهروز مهرام (اساتید و دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد) در مشهد به رشته تحریر درآورده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سازگاری رفتار با آموزه‌های اقتصادی اسلام- عدم اسراف و تبذیر- با نظم‌پذیری جمعی درون خانواده، آینده‌نگری و تقویت اراده، رابطه معنادار مستقیم دارد که تحت تأثیر عامل‌های ساختاری و زمینه‌ای قرار می‌گیرند. قاعده‌مند شدن خانواده نیز تحت تأثیر کیفیت انتقال آموزه‌های اقتصادی اسلام، فرصت‌سازی و فرصت‌یابی تربیتی درون خانواده و کنش و واکنش درون خانواده نسبت به رعایت آموزه اقتصادی اسلام و کیفیت منبع تأمین معیشت درون خانواده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۶. عزتی در سال ۱۳۸۲ در یک مطالعه‌ای با وارد کردن عنصر ایمان در تابع مطلوبیت مصرف‌کننده مسلمان، اثر ایمان مذهبی را روی رفتار مصرف‌کننده، تبیین کرده است. وی فرض می‌کند هر فردی دو نوع دارایی به نام مال و زمان دارد که قابلیت جانشینی دارند، سپس چارچوب رفتاری مصرف‌کننده مسلمان را تشریح کرده است. وی با استخراج تابع مطلوبیت فرد مسلمان، اثبات کرده است که تغییرها و شیب این تابع از ایمان وی به آخرت و پاداش اخروی متأثر است.

۷. عزتی در سال ۱۳۸۸ در مقاله دیگری با عنوان اثر سرمایه مذهبی بر مصرف. اثبات می‌کند که مذهب بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی آثار مثبت دارد و در صورت وجود ایمان کافی و نیز سرمایه مذهبی مناسب و کافی در جامعه باعث تغییر مقدار مصرف طبقه‌های جامعه، نوع کالاها و خدمات مصرفی افراد و جامعه و نیز تغییر توزیع مقادیر درآمد و مصرف در جامعه شود.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از اقتصاددانان به نقش رفتارساز دین و اصول دینی بر رفتارهای اقتصادی افراد اذعان کرده‌اند، اما در افغانستان به‌عنوان کشور اسلامی تا آنجائی که من تحقیق کردم در این زمینه مطالعه صورت نگرفته است و امیدوارم این تحقیق زمینه‌ساز تحقیقات وسیع در افغانستان گردد و راه تحقیق را برای سایرین هموارتر سازد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق در بخش مصرف

این پژوهش درصدد این است تا میزان التزام و اعتقاد مردم شهر کابل را به رفتارهای اقتصادی مطلوب در زمینه مصرف مورد بررسی قرار دهد. در مبانی نظری تحقیق با استفاده از منابع معتبر و مهم ۷ اصل شناسایی گردیده است که در ذیل به تفصیل نتایج داده‌ها در ارتباط به اصول مربوطه می‌پردازیم.

۱. التزام به اصول مربوط به مصرف

اطلاعات ناشی از یافته‌های تحقیق در جدول شماره ۱ انعکاس داده شده است. داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۵ درصد افراد به اصل عدم اسراف و تبذیر التزام عملی دارند. مردان بیشتر از زنان اصل مذکور را مراعات نموده و با افزایش سن میزان التزام به این اصل کاهش می‌یابد، یعنی اشخاص در گروه سنی بالاتر، بیشتر مرتکب عمل اسراف می‌گردند. از لحاظ آماری بین درجه التزام به اصل مذکور و جنسیت، سن و تحصیلات رابطه معناداری وجود دارد اما با وضع تأهل، تعداد افراد خانوار، نوع شغل و متوسط درآمد ماهانه خانوار رابطه معناداری ندارد.

زکات از جمله انفاق‌های واجبی است که مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات حاکی از آن است۶۴ درصد افراد زکات می‌دهند، مردان بیش از زنان، مجردان بیشتر از متأهلین و افرادی‌که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

شغل آزاد دارند بیش از افرادی‌که شغل دولتی دارند به این اصل التـزام دارنـد، متغیـر تعـداد افـراد خانوار با اصل زکات رابطه معناداری ندارد اما سایر متغیرهای مسـتقل بـر متغیـر زکـات تأثیرگـذار می‌باشد.

انفاق‌های مستحب از جمله رفتارهای دیگری است که در اسلام به پرداخـت آن تأکیـد گردیـده است. مصادیق انفاق‌های مستحب در این بررسی عبارتند از کمک به صندوق صدقات، نذر و قربـانی کردن، کمک به مساجد، کمک به برگزاری مراسم مذهبی و کمک بلاعوض بـه دیگـران. ۶۰ درصـد افراد به اصل کمک به صندوق صدقات التزام دارند، زنان بیشتر از مردان، مجردان بیشتر از متـأهلین و اشخاصیکه شغل آزاد دارند بیشتر از اشخاصی‌که شغل دولتی دارنـد بـه صـندوق صـدقات کمـک می‌کنند، با افزایش سطح تحصیلات و درآمد خانواده‌ها التزام به صدقه دادن نیز بیشتر می‌گردد. ۶۳ درصد افراد نذر و قربانی می‌کنند،۶۳ درصد افراد التزام به کمک به مساجد دارند، ۵۷ درصد افراد به برگزاری مراسم مذهبی کمک می‌کنند و ۶۵ درصد افراد به دیگران کمک‌هـای بلاعـوض می‌دهنـد. زنان نسبت به مردان بیشتر التزام به کمک به مساجد و کمک بلاعوض به دیگران دارند و در مقابـل مردان بیشتر عمل نذر و قربانی را مرتکـب می‌شـوند. در بیشـتر مـوارد رابطـه تحصـیلات و درآمـد خانواده‌ها با اصل انفاق مستقیم بوده یعنی با افزایش سـطح ایـن متغیرهـا، التـزام آنـان نیـز بیشـتر می‌گردد اما در بیشتر موارد رابطه سن با میزان التزام به انفاق معکوس می‌باشد. در کل ۶۱،۱ درصد افراد به اصل پرداخت انفاق‌های مستحبی التزام دارند.

استفاده از ظروف طلا و نقره در اسلام حرام است. داده‌ها حاکی از آن است ۵۷ درصد افـراد بـه این اصل التزام دارند و متباقی افراد کم و بیش از ظروف طـلا و نقـره اسـتفاده می‌کننـد. متـأهلین بیشتر از مجردان و افرادی‌که شغل دولتی دارند بیشتر از افرادی‌که شغل آزاد دارند از ظروف طـلا و نقره استفاده می‌کنند. با افزایش درآمد خانواده التزام به اصل مذکور افزایش یافته و افـراد بـا درجـه تحصیلی مختلف، به‌گونه یکسان به اصل مذکور التزام دارند. این اصل با متغیرهای سن، تحصـیلات، وضع تأهل، تعداد افراد خانوار، نوع شغل و متوسط درآمد خانواده‌ها رابطه معناداری دارد.

قرض ربوی (سود) از جمله مصارف حرام در اسلام است و آیات و روایات زیـادی بـر حرمـت آن دلالت دارد. التزام به این اصل در جامعه مورد بررسی قرار گرفتـه و داده‌هـا نشـان می‌دهـد کـه ۶۴ درصد افراد اصل مذکور را در روابط اقتصادی خود پیاده می‌نمایند. زنان بیشتر از مردان و افرادی‌که شغل دولتی دارند بیشتر از افرادی‌که شغل آزاد دارند پابند بـه اصـل مـذکور می‌باشـند، بـا افـزایش تعداد افراد خانوار التزام به اصل مذکور کاهش می‌یابد. از لحاظ آمـاری میـان التـزام بـه منـع دادن قرض ربوی و جنسیت، سن، تعداد افراد خانوار و نوع شغل رابطه معناداری وجود دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

یکی از اصول دیگر قرض‌الحسنه می‌باشد. ۶۰ درصد افراد جامعه به این امر التزام دارند، بین این متغیر و متغیرهای مستقل سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد افراد خانوار، نوع شغل و سابقه شغلی رابطه معناداری وجود دارد. متأهلین بیشتر از مجردان به این اصل پابند هستند و افرادی‌که شغل آزاد دارند بیشتر از افرادی‌که شغل دولتی دارند قرضه‌الحسنه می‌دهند، با افزایش سن و درآمد خانواده‌ها التزام به اصل مذکور کاهش می‌یابد.

آخرین اصلی که مورد بررسی قرار گرفته منع سخت‌گیری در مصارف ضروری می‌باشد. اطلاعات حاکی از آن است تنها ۱۲ درصد افراد عمل تقتیر را مرتکب نمی‌شوند و متباقی افراد کم و بیش این عمل را انجام می‌دهند. زنان بیشتر از مردان، مجردان بیشتر از متأهلین و افرادی‌که شغل دولتی دارند بیشتر از افرادی که شغل آزاد دارند اصل مذکور را رعایت می‌کنند، با افزایش سطح سواد و تعداد افراد خانواده‌ها التزام به اصل مذکور نیز افزایش می‌یابد.

نکته: راهنمای استفاده از جداول

۱. علامت + نشان‌دهنده رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل است.
۲. علامت – نشان‌دهنده عدم ارتباط بین متغیر وابسته و متغیر مستقل است.
۳. علامت (+) نشان می‌دهد که با افزایش میزان تحصیل، سن و سابقه شغلی، التزام یا اعتقاد به اصل مذکور نیز افزایش می‌یابد.
۴. علامت (-) نشان می‌دهد که با افزایش میزان تحصیل، سن و سابقه شغلی، التزام یا اعتقاد به اصل مذکور کاهش می‌یابد.
۵. علامت (=) نشان می‌دهد که در گروه‌های مختلف تحصیلی، سن و سابقه شغلی به‌طور یکسان به اصول مربوطه التزام و اعتقاد دارند.
۶. علامت م+ به معنای این است که مردان رفتار مطلوب را بیشتر انجام می‌دهند.
۷. علامت ز+ به معنای این است که زنان رفتار مطلوب را بیشتر انجام می‌دهند.
۸. علامت ت+ به معنای این است که متأهلین رفتار مطلوب را بیشتر انجام می‌دهند.
۹. علامت ج+ به معنای این است که مجردان رفتار مطلوب را بیشتر انجام می‌دهند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

جدول ۱. یافته‌های کلی (مصرف) «درصد التزام»

شماره	رفتارهای اقتصادی مطلوب در زمینه مصرف	درصد التزام	جنسیت	سن	تحصیلات	وضع تأهل	تعداد افراد خانوار	نوع شغل	متوسط درآمد ماهانه خانوار
۱	عدم اسراف و تبذیر	۵۵	م +	+ (-)	+	-	-	-	-
۲	انفاق واجب: زکات	۶۴	م +	+	+	ج +	-	آ +	+
۳	انفاق‌های مستحب: کمک به صندوق صدقات	۶۰	ز +	+	+ (+)	ت +	-	-	+ (+)
۴	انفاق‌های مستحب: نذر و قربانی	۶۳	م +	+ (-)	+ (+)	ج +	+	آ +	+ (+)
۵	انفاق‌های مستحب: کمک به مساجد	۶۳	ز +	+ (-)	-	ج +	+	د +	+
۶	انفاق‌های مستحب: کمک به برگزاری مراسم مذهبی	۵۷	-	+	+ (=)	ج +	-	آ +	+
۷	انفاق‌های مستحب: کمک بلاعوض به دیگران	۶۵	ز +	-	+	-	+	د +	+ (+)
۸	انفاق‌های مستحب در کل	۶۱،۶	0	0	0	0	0	0	0
۹	منع استفاده از ظروف طلا و نقره (مصرف حرام)	۵۷	-	+	+ (=)	ت +	+ (+)	د +	+ (+)
۱۰	منع دادن قرض ربوی (مصرف حرام)	۶۴	ز +	+	-	-	+ (-)	د +	-
۱۱	قرض الحسته (مصرف مستحب)	۶۰	-	+ (-)	+	ت +	+	آ +	+ (-)
۱۲	منع تقتیر	۱۲	ز +	+	+ (+)	ج +	+ (+)	د +	+
۱۳	میانگین کل رفتارهای مطلوب	۵۳،۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

۲. اعتقاد به اصول مربوط به مصرف

در بررسی میزان اعتقاد جامعه به رفتارهای مطلوب، اطلاعات در جدول شماره ۲ گنجانیده شده است. داده‌ها حاکی از آن است که تنها ۱۸ درصد افراد به ممنوع بودن اسراف و تبذیر اعتقاد دارند، مردان بیشتر از زنان و متأهلین بیشتر از مجردین به اصل مذکور معتقداند، با افزایش سطح سواد، تعداد افراد خانوار و درآمد خانواده‌ها میزان اعتقاد به اصل ممنوعیت اسراف و تبذیر اعتقاد دارند و افرادی که دارای مشاغل دولتی و آزاد هستند به‌طور یکسان به اصل مذکور اعتقاد دارند. میان درجه اعتقاد به این اصل و همه متغیرهای مستقل رابطه معناداری وجود دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

اصل دیگری که مورد بررسی قرار داده شده است انفاق واجب و مشخصاً زکات می‌باشد. ۴۰ درصد افراد جامعه به این اصل باورمند هستند، زنان بیشتر از مردان، مجردان بیشتر از متأهلین و اشخاص با شغل دولتی بیشتر از افرادی که شغل آزاد دارند به اصل پرداخت زکات اعتقاد دارند. با افزایش تعداد افراد خانوار و درآمد خانوارها اعتقاد به اصل مذکور کاهش می‌یابد، اما با افزایش میزان تحصیل این قضیه برعکس بوده و اعتقاد افراد به اصل انفاق واجب کاهش می‌یابد. بین انفاق واجب (زکات) و همه متغیرهای مستقل رابطه معناداری وجود دارد.

استفاده از ظروف طلا و نقره در اسلام حرام است. ۶۷ درصد افراد به حرام بودن آن اعتقاد دارند. تنها متغیر تعداد افراد خانوار بر این اصل تأثیرگذار نیست و سایر متغیرها با اصل مذکور رابطه دارد. مردان بیش از زنان و افرادی که شغل آزاد دارند بیش از افرادی که شغل دولتی دارند به درستی اصل مذکور معتقداند، متأهلین و مجردان به‌گونه یکسان به این اصل باورمند هستند و با افزایش درآمد خانواده‌ها اعتقاد به منع استفاده از ظروف طلا و نقره نیز افزایش می‌یابد.

یکی از مصارف حرام دیگر که مورد بررسی قرار داده شده است قرض ربوی می‌باشد. ۶۵ درصد افراد به حرام بودن سود اعتقاد دارند. از لحاظ آماری میان این متغیر و متغیرهای سن، تحصیلات، تعداد افراد خانوار و متوسط درآمد ماهانه خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش سطح سواد، تعداد افراد خانوار و درآمد خانواده‌ها اعتقاد به اصل مذکور نیز افزایش می‌یابد.

از جمله مصارف مستحب قرض‌الحسنه می‌باشد که درآیات و روایات به دادن آن تأکید فراوانی صورت گرفته است. میزان اعتقاد به این اصل ۵۷ درصد بوده و مردان بیشتر از زنان، متأهلین بیشتر از مجردان و افراد دارای مشاغل آزاد بیشتر از افراد دارای مشاغل دولتی به این اصل باورمند هستند. میان درجه اعتقاد به اصل مذکور و جنسیت، سن، تحصیلات، وضع تأهل، نوع شغل و درآمد خانوارها رابطه معناداری وجود دارد.

آخرین اصلی که در بررسی میزان اعتقاد به رفتارهای مطلوب اقتصادی در زمینه مصرف مورد مطالعه قرار داده شده است منع سخت‌گیری در مصارف ضروری می‌باشد. اطلاعات حاکی از آن است که ۴۷ درصد افراد به این اصل اعتقاد دارند. مجردان بیشتر از متأهلین و افراد با مشاغل دولتی بیشتر از افرادی‌که مشاغل آزاد دارند عمل تقتیر را نادرست می‌دانند، با افزایش سن و درآمد خانواده‌ها اعتقاد به اصل مذکور نیز افزایش می‌یابد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

جدول ۲. یافته‌های کلی (مصرف) «درصد اعتقاد»

شماره	رفتارهای اقتصادی مطلوب درزمینه مصرف	درصد اعتقاد	جنسیت	سن	تحصیلات	وضع تأهل	تعداد افراد خانوار	نوع شغل	متوسط درآمد ماهانه خانوار
۱	عدم اسراف و تبذیر	۱۸	م +	+	+ (+)	ت +	+ (+)	+ (=)	+ (+)
۲	انفاق واجب: زکات	۴۰	ز +	+ (+)	+ (-)	ج +	+ (+)	د +	+ (+)
۳	انفاق‌های مستحب در کل	۵۸	م +	+ (-)	+ (=)	ت +	+	+	+
۴	منع استفاده از ظروف طلا و نقره (مصرف حرام)	۶۷	م +	+	+	+ (=)	-	آ +	+ (+)
۵	منع دادن قرض ربوی (مصرف حرام)	۶۵	-	+	+ (+)	-	+ (+)	-	+ (+)
۶	قرض الحسته (مصرف مستحب)	۵۷	م +	+	+	ت +	-	آ +	+ (=)
۷	منع تقتیر	۴۷	-	+ (+)	+	ج +	+ (+)	د +	+ (+)
۸	میانگین کل رفتارهای مطلوب	۵۰،۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

نتیجه‌گیری

۱. در بررسی التزام در بخش مصرف ۱۱ اصل شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته است. بیشترین رابطه را در بین متغیرهای مستقل با این اصول، متغیر سن دارد که با ۱۰ اصل رابطه معنادار دارد. در اکثر موارد با افزایش سن میزان التزام به اصول مذکور کاهش می‌یابد. بعد از متغیر سن، متغیرهای تحصیلات، نوع شغل و متوسط درآمد ماهانه خانوار که با ۹ اصل رابطه معناداری دارد قرار دارد. داده‌ها حاکی از آن است که با افزایش سطح سواد و درآمد خانواده‌ها، التزام جامعه به اصول مذکور نیز افزایش می‌یابد. در ۴ مورد از ۹ مورد کسانی که شغل آزاد دارند بیشتر از افرادی که شغل دولتی دارند، اصول رفتاری را رعایت می‌کنند و در ۵ مورد دیگرکسانی که مشغول کارهای دولتی‌اند بیشتر به اصول مذکور التزام دارند.

بعد از این متغیرها، متغیرهای جنسیت و وضع تأهل با ۸ مورد رابطه معناداری از جمع ۱۱ مورد قرار دارد. در ۵ اصل از جمع ۸ اصل، زنان بیشتر از مردان به اصول مذکور التزام دارند و مردان فقط در ۳ اصل از زنان پیشی گرفته است. همچنان در ۵ اصل از ۸ اصل مجردان بیشتر از متأهلین به اصول مربوطه التزام دارند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

متغیر تعداد افراد خانواده با داشتن رابطه معناداری با ۷ اصل کمترین میزان تأثیرگذاری بر اصول مربوط به رفتارهای مطلوب در زمینه مصرف را دارا می‌باشد.

نتیجه‌گیری کلی نشان می‌دهد که به‌طور متوسط ۵۳,۴ درصد افراد جامعه مورد بررسی به اصول مذکور در حوزه مصرف التزام دارند. آزمون کای دو نیز بر این امر دلالت دارد و با سطح اطمینان ۹۵ درصد تصدیق می‌دارد که بیش از نصف جامعه به رفتارهای مطلوب در بخش مصرف التزام دارند.

۲. در بررسی میزان اعتقاد جامعه به رفتارهای اقتصادی در حوزه مصرف ۷ اصل شناسایی‌شده است. متغیرهای تحصیلات، سن و متوسط درآمد ماهانه خانوار بیشترین تأثیرگذاری را در جمع سایر متغیرها دارا می‌باشد یعنی هرکدام به‌طور کامل با اصول مربوطه رابطه دارد. در بیشتر موارد با افزایش سن، سطح تحصیلات و افزایش درآمد خانواده‌ها، میزان اعتقاد به اصول مذکور نیز افزایش می‌یابد و افراد با درجه تحصیلات عالی بیش از سایرین پایبند به اصول مذکور اند.

بعد از این متغیرها، متغیرهای وضع تأهل و نوع شغل که با ۶ مورد رابطه معناداری دارد بیش از سایر متغیرهای مستقل بر اصول مربوط به مصرف تأثیرگذار است. در ۲ مورد اشخاصی که شغل آزاد دارند بیشتر از اشخاصی که شغل دولتی دارند پابند به اصول مذکور می‌باشند و در ۲ مورد اشخاص با مشاغل دولتی بیشتر معتقداند و در ۲ مورد دیگر به‌صورت یکسان به اصول مربوطه اعتقاد دارند و متأهلین به میزان بیشتری نسبت به مجردان به اصول مربوط به مصرف اعتقاد دارند. متغیرهای جنسیت و تعداد افراد خانواده با ۵ اصل رابطه معناداری، کمترین میزان تأثیرگذاری را بر اصول ۷ گانه در حوزه مصرف دارا می‌باشد. مردان بیش از زنان به اصول مذکور اعتقاد دارند.

نتیجه‌گیری کلی نشان می‌دهد ۵۰,۳ درصد افراد جامعه مورد بررسی به اصول مذکور اعتقاد دارند. آزمون t تک نمونه‌ای با رقم متوسط ۳ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد حاکی از آن است که افراد جامعه بیش نصفشان به اصول مذکور اعتقاددارند. اختلاف درصدی مذکور با درصدی درجه التزام ناشی از خطای نمونه‌گیری خواهد بود و می‌توان گفت که بین درجه التزام مردم به رفتارهای اقتصادی توصیه‌شده در اسلام در حوزه مصرف با درجه اعتقاد آن‌ها تفاوت چندانی ندارد و اعتقاد و رفتار آن‌ها باهم یکی است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، آزاد. ۱۳۸۸. تأثیرات متقابل فرهنگ و اقتصاد در جامعه. نورمگز، ۴۵، ۳۳-۲۸.
۳. اکبریان، رضا. ۱۳۸۶. بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد. نورمگز، ۱۲، ۳۲-۲۴.
۴. امام علی (ع). غررالحکم و درر الکلم آمدی. (ترجمه محمدعلی انصاری، ۱۳۸۱). قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج).
۵. امام علی (ع). نهج البلاغه. (ترجمه علی شیروانی، ۱۳۹۲). قم: دفتر نشر معارف.
۶. امیری تهرانی‌زاده، سیدمحمدرضا. ۱۳۸۲. ریشه‌های فرهنگی اقتصاد. نورمگز، ۲۵ و ۲۶، ۳۴-۲۷.
۷. ایروانی، جواد و دیگران. ۱۳۹۱. مصرف صحیح از نگاه اسلام. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۸. ایروانی، جواد. ۱۳۹۱. آشنایی با اقتصاد اسلامی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۹. ایروانی، جواد. ۱۳۹۳. نگاهی بر تأثیر فرهنگ بر پیشرفت اقتصادی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ۱۰۱، ۱۵۱-۱۲۷.
۱۰. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۹۳. مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. تاری، فتح‌الله و غلامی باغی، سعید. ۱۳۹۰. تأثیر فرهنگ بر الگوی مصرف در کشور و راهکارهای بهبود آن. نورمگز، ۵۳، ۸۳-۷۵.
۱۲. حریری، محمد یوسف. ۱۳۶۲. اسلام و نظام اقتصادی. تهران: انتشارات امیری.
۱۳. دل‌انگیزان، سهراب. ۱۳۷۶. برخی از شناسه‌های اصلی فرهنگ اقتصادی. نورمگز، ۶۴، ۳۷-۳۴.
۱۴. رجایی، سیدمحمدکاظم و خطیبی، مهدی. ۱۳۹۱. معیارهای فقهی اسراف. نشریه اقتصاد اسلامی، ۴۵، ۷۶-۵۵.
۱۵. زمانی محجوب، حبیب. ۱۳۸۸. مصرف درآیات و روایات. نورمگز، ۳۲، ۲۲-۵.
۱۶. سیدقطب. عدالت اجتماعی در اسلام، (ترجمه محمدعلی گرامی و سیدهادی خسروشاهی، ۱۳۷۹). تهران: کلبه شرق.
۱۷. صادقی شاهدانی، مهدی و همکاران. ۱۳۹۲. مدل‌سازی مفهومی حد مصرف عقلایی از منظر اسلام. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱، ۱۵۷-۱۲۳.
۱۸. صدر، محمدباقر. اقتصاد ما. (ترجمه محمدکاظم موسوی، ۱۳۵۰). قم: موسسه انتشارات اسلامی.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد. بی تا. مجمع البحرین. (ترجمه عادل محمود، ۱۳۶۷). قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

۲۰.عرب مازار، عباس و کیقبادی، سعید. ۱۳۸۵. جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران. مجله اقتصاد اسلامی، ۶، ۴۶-۱۳.
۲۱.عزتی، مرتضی. ۱۳۸۸. اصلاح الگوی مصرف. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۲.قمی، عباس. ۱۴۰۲ ق. سفینه البحار و مدینه الحکم و لآثار. (ترجمه هادی صلواتی، ۱۳۹۳). تهران: مؤسسه انتشاراتی کتاب عقیق، نوید اسلام.
۲۳.کرمی، محمدمهدی و پورمند نبی‌زاده، محمد. ۱۳۹۳. مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۲۴.لغت نامه دهخدا.
۲۵.محسنی، زنوزی و همکاران. ۱۳۹۱. تبیین الگوی مصرف در اسلام. نورمگز، ۳۱، ۲۱۸-۱۹۹.
۲۶.موسائی، میثم. ۱۳۸۲. بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم به رفتارهای اقتصادی توصیه در اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۷.هادوی‌نیا، علی‌اصغر. (۱۳۸۹/۰۳/۱۳). اوراق قرض‌الحسنه. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۴.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-09]